

اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در فقه، اسناد بین الملل و قوانین افغانستان معطوف به تهدیدها و فرصت های فضای مجازی

سید محمد عارف حسینی^۱

چکیده

در این نوشتار به این سؤال پرداخته شده است که با توجه به فضای مجازی و تهدیدها و فرصت هایی که وجود دارد اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل و قوانین افغانستان چگونه است؟ با توجه به سؤال مذکور در این نوشتار به چند عنوان پرداخته شده است؛ ۱. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام که بیشتر به آیات و روایات پرداخته شده است، ۲. تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، سند توسعه پایدار برای کل جهان معروف به سند ۲۰۳۰ و کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیم، ۳. تعلیم و تربیت در قوانین افغانستان و ۴. تعلیم و تربیت در فضای مجازی. ذیل عنوان آخر نیز به چند نکته پرداخته شده است؛ رسانه های صوتی و تصویری، نرم افزارهایی که طراحی شده است مثل نرم افزار جامع کتابخانه ها و گروه و صفحاتی که در فضای مجازی وجود دارد مثل فیسبوک و اینستاگرام و... حاصل یافته های اینکه می شود در امر تعلیم و تربیت از فضای مجازی بهترین استفاده را نمود و تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد.

کلید واژه ها: اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام، اسناد بین الملل، قوانین افغانستان، فضای مجازی.

مقدمه

پیدایش انسان همراه با تعلیم و تربیت بوده است؛ از زمان خلقت حضرت آدم و به پیامبری مبعوث شدن وی تا بعثت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، تعلیم و تربیت وجود داشته است. لذا پیامبران را معلمین بشریت می‌گویند، با کمی تعمق بیشتر می‌توان اولین معلم را خود خداوند تبارک و تعالی دانست، زیرا خداوند در قرآن به حضرت آدم تعلیم می‌دهد. با توجه به این مطلب، چند نکته به عنوان مقدمه قابل بیان است.

۱. در مرحله اول، مسئله تعلیم و تربیت را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره ماقبل تاریخ که برای تفهیم و تفاهم از نماد و شکل استفاده می‌کردند و دوره مابعد تاریخ که خط اختراع شد. در این دوره برای تفهیم و تفاهم از خط استفاده می‌کردند. در یک تقسیم دیگر مسئله تعلیم و تربیت را می‌توان به سه دوره مهم تقسیم کرد: (ا) دوره قرون وسطی، که در این دوره تعلیم و تربیت بیشتر به عهده ادیان الهی بود. تمام ادیان الهی به خصوص سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام توجه ویژه‌ای به تعلیم و تربیت داشته‌اند. در این میان، آموزه‌های اسلامی به ویژه نشان از توجه فوق العاده به مسئله تعلیم و تربیت دارد.

(ب) دوره رنسانس، که در این دوره تعلیم و تربیت، متولیان جدید پیدا کرد؛ اندیشمندان و فیلسوفان تجربه‌گرا نقش اصلی را بازی کرده و شاگردان خود را از طریق تجربه و آزمایش تعلیم و تربیت می‌کردند.

(ج) دوره عصر جدید که در این دوره ابزارهای جدید برای تعلیم و تربیت به وجود آمده است. در این عصر، ابزارها نقش معلم را بازی می‌کند، مثل رسانه‌های نوین صوتی و تصویری و یا فضای مجازی و اینترنت، که این فضا برای تعلیم و تربیت فرصت‌ها و تهدیدهایی را به وجود آورده است.

۲. به مسئله تعلیم و تربیت از زاویه دیگر نیز می‌شود توجه کرد، و آن اینکه توجه ویژه حکومت‌ها و دولت‌های جهان به آن است. همه کشورهای جهان بدون استثنا در دولت خودشان حداقل دو وزارت را به موضوع تعلیم و تربیت اختصاص داده‌اند؛ یکی وزارت آموزش و پرورش، دوم وزارت تحصیلات عالی (وزارت علوم)، که هر دو وزارت عهده‌دار تعلیم و تربیت است.

علاوه بر این‌ها مؤسسات دیگری در هر کشوری، وجود دارد که به تعلیم و تربیت می‌پردازند. به عنوان مثال در ایران شورای انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات اسلامی و حوزه‌های علمیه را می‌توان نام برد.

با توجه به مطالب فوق در این مقاله به چند موضوع، پرداخته شده است:

۱. تعریف و اهمیت تعلیم و تربیت در دین اسلام؛
۲. جایگاه تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل؛
۳. نگاهی به فضای مجازی و مسئله تعلیم و تربیت با توجه به تهدیدها و فرصت‌ها.

سؤال اصلی مقاله این است که اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل و قوانین افغانستان چگونه تعریف شده است؟ و فضای مجازی در چه صورتی برای تعلیم و تربیت، فرصت محسوب و در چه صورتی تهدید به حساب می‌آید؟

۱. کلیات و مفاهیم

۱.۱. ۱. تعلیم در لغت:

علم یا هنر را به کسی یاد دادن، کسی را چیزی آموختن، آموزش. (عمید، ۱۳۶۰:

۳۲۶)

دکتر محمد معین می‌نویسد: تعلیم، آموختن، دانش آموختن و یاد دادن

است. (معین، ۱۳۸۵: ۱/۱۱۰۳)

علامه دهخدا می‌نویسد: «تعلیم بیاموختن، بیآگاهانیدن، آموزانیدن، آگاهانیدن،

آگاه کردن، کسی را چیزی آموختن». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۶۸۱۸) لذا معنای لغوی

تعلیم صرف آموزش و تعلیم را می‌رساند که کسی به دیگری مطلبی یا کاری یا هنری

را تعلیم بدهند. در تعلیم چند عنصر وجود دارد؛ علم، معلم و متعلم که اگر یکی از

این سه عنصر وجود نداشته باشد تعلیم و تربیت بی معنا خواهد بود.

۲.۱. تعریف اصطلاحی تعلیم و تربیت:

«آموزش» در حقیقت کوششی است که معلم برای انتقال معلومات خاص به شاگردان خود به کار ببرد و عمدتاً به مهارت و خیرگی معلم و نوع محتوای درسی که معلم به انتقال آن می‌پردازد بستگی دارد. آموزش همان سپردن دانستنی‌ها به دیگران است و دانستنی‌ها تنها آن‌گاه سودمند است که به کار آیند و آموزش آن‌گاه به کار می‌آید که زمینه برای پدید آمدن تغییر در نوآموز گردد. (آزمند، ۱۳۹۰: ۶۳)

تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش (education) در حقیقت یک معنا دارد. تربیت و تعلیم با همدیگر است نه جدای از هم. در این معنا، از طریق آموزش انسان آگاهی کسب می‌کند و این آگاهی در شخصیت او تأثیر گذاشته او را به سمت کمال هدایت می‌کند. (آزمند، ۱۳۹۰: ۶۳)

بعضی از نویسندگان برای تعلیم و تربیت تعریف‌های متعدد ذکر کرده‌اند. عده‌ای تعلیم و تربیت را آمادگی می‌دانند، آمادگی برای تحصیل حقوق و اخذ مسئولیت در دوره سالمندی مورد توجه است. به نظر این عده، فرزندان در حال حاضر به عنوان یک عضو جامعه که حقوق و امتیازات دارد مورد توجه نیست، بلکه آماده کردن او برای زندگی آینده مورد نظر است. (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۵۱)

تعریف دیگری که ذکر می‌کند این است که:

تعلیم و تربیت را عبارت از آشکار کردن یا به تعبیر دیگر فعلیت دادن استعدادها و قوای پنهانی فرد می‌دانند. در این نظریه رشد در نظر گرفته شده است، ولی نه به عنوان یک جریان دائمی، بلکه به عنوان یک امر محدود که به طرف هدف معین و کامل توجه دارد. (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۵۳)

تعریف سومی که شریعتمداری ذکر می‌کند این است:

به نظر بعضی از مربیان تعلیم و تربیت یعنی پرورش قوای ذهنی مثل قوه ادراک، حافظه، یادآوری، تداعی معانی، دقت اراده، تخیل و تعقل. به نظر این دسته هدف تعلیم و تربیت ایجاد قوای مخصوص جهت انجام امور است. (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ۵۴)

به نظر می‌رسد که تعریف جامع‌تری را هم می‌توان ارائه داد و آن عبارت است از اینکه: تعلیم و تربیت عبارت است از شناسایی استعدادهای دانش آموزان و به فعلیت رساندن آن استعدادها از قوه به بالفعل تا بتوان طبق آن، استعدادهای کشف شده و بالفعل، دانش آموزان را برای آینده جامعه آماده کرد.

۲. اهمیت تعلیم و تربیت در آیات الهی

۱. رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (بقره: ۱۲۹)

در آیات فوق پس از آنکه ابراهیم و اسماعیل تقاضای ظهور پیامبر اسلام را می‌کنند سه هدف برای بعثت او بیان می‌شود؛ نخست تلاوت آیات خدا بر مردم، این جمله اشاره به بیدار ساختن اندیشه‌ها در پرتو آیات گویا و جذاب و کوبنده‌ای است که از معجرای وحی بر قلب پیامبر (ص) نازل می‌شود و او به وسیله آن، ارواح خفته را بیدار می‌کند. بنابراین تلاوت منظم و پی در پی، مقدمه‌ای است برای بیداری و ایجاد آمادگی، برای تعلیم و تربیت. سپس تعلیم کتاب و حکمت را هدف دوم می‌شمرد، چرا که تا آگاهی حاصل نشود، تربیت که مرحله سوم است صورت نمی‌گیرد. تزکیه در لغت، هم به معنی رشد دادن، و هم به معنی پاکسازی آمده است. و به این ترتیب تکامل وجود انسان در جنبه‌های علمی و عملی به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر ﷺ معرفی شده است.

اینجا است که باید پیامبران، با علوم راستین و خالی از هر گونه خطا که از مبداء وحی گرفته‌اند به میان مردم بیایند، خطاهایشان را بر طرف سازند، آنچه را که نمی‌دانند به آن‌ها بیاموزند و آن را که می‌دانند به آن‌ها اطمینان خاطر دهند.

موضوع دیگری که در این رابطه لازم به یادآوری است این است که نیمی از شخصیت ما را عقل و خرد تشکیل می‌دهد و نیمی را غرائز و امیال، به همین دلیل ما به همان اندازه که نیاز به تعلیم داریم، نیاز به تربیت هم داریم، هم خرد ما باید تکامل یابد و هم غرائز درونی ما به سوی هدف صحیحی رهبری شوند، لذا پیامبران هم معلم‌اند، هم مربی، هم آموزش دهنده‌اند و هم پرورش دهنده. (مکارم شیرازی،

نکاتی که در تفسیر نمونه وجود دارد به چند مطلب مهم اشاره دارد:

۱. تلاوت آیات خداوند برای مردم برای این است تا اندیشه‌ها و عقل‌های خوابیده را بیدار کند و آماده برای تعلیم و تربیت؛
 ۲. تعلیم کتاب و حکمت، تا به وسیله آن برای انسان آگاهی حاصل شده و راه رشد و کمال را از راه‌های انحرافی تشخیص داده و آماده شوند برای تربیت و پذیرش صحیح دستورات الهی؛
 ۳. تربیت صحیح، زیرا وجود انسان از دو عنصر تشکیل شده است؛ عقل و غرائز شهوانی که به وسیله تعلیم و تربیت، عقل انسان را رشد داده و شکوفا کند و غرائز حیوانی را در انسان کمرنگ نماید؛
 ۴. نکته حائز اهمیتی که در آیه شریفه وجود دارد این است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست بعثت پیامبری را دارد که این پیامبر، هدفش تعلیم و تربیت بشر باشد.
- آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن می‌نویسد:

این آخرین دعای ابراهیم، و نشان دادن مقصود نهایی از ساختمان ظاهر و یا سازمان باطن است تا در شعاع اطراف آن و پرتو مناسک آن، از میان ذریه‌ای که از هر چه روی گردانده و به حق روی آورده و تسلیم شده باشد، به پیامبری انگیخته شود و قیام نماید تا عقول و نفوس مستعدی را با تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه، به ثمر رساند.

مقصود از آیات، یا کلمات و عباراتی است که نشانه‌های پروردگار است، یا آیات و نشانه‌های هستی است که به صورت تعبیرات و کلمات رسا درآمده. تلاوت آیات برای آن است که چشم عقل و دید باطنشان باز شود. اگر معنای کتاب امور ثابت و واجب باشد مقصود فراگرفتن قوانین و احکام و قدرت اجتهاد در آن است؛ این معنا مناسب‌تر است از تعلیم نوشته یا نوشتن.

آنچه از دانش‌های عمومی که مقدمه یا موجب تحکیم آراء و عقاید و ثبات خوی‌های پسندیده و تنظیم راه زندگی شود حکمت است. حکیم کسی است که آراء و عقایدی محکم و خلل‌ناپذیر داشته باشد چنان که شبهه‌ای در آن‌ها راه نیابد و متزلزل نشود. قرآن که سرچشمه حکمت و راهنمای به سوی آن

است با تلاوت و تصرف آیات آن، اصول توحید و معاد و فضائل خلقی و آراء تکلیفی و عملی را تعلیم می‌دهد و ریشه‌های آن‌ها را محکم می‌گرداند...

چون تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه نفوس مقصود نهایی و علت غایی این بعثت است، همه دستورات و قوانین و احکام و بیان حدود و حقوق برای ایجاد محیطی است که بذرهای استعدادها رشد کند و شاخه و برگ آن‌ها بر سر دیگران سایه افکند و نفوس از کینه‌ها و عقده‌ها و شهوات پست پاک شود، و دنیایی مصفی و نورانی پدید آید. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۸/ ۳۶۸)

آیت الله طالقانی معتقد است که:

۱. مقصود نهایی حضرت ابراهیم این بوده که پیامبری برانگیخته شود تا عقول و نفوس انسان‌های مستعد را با تلاوت و تعلیم کتاب و حکمت به ثمر برساند.

۲. شناخت وجود خداوند و هستی‌شناسی که از تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت به دست می‌آید.

۳. به وسیله تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت قدرت اجتهاد بارور شود نه اینکه صرف خواندن و نوشتن باشد.

۴. به وسیله تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت انسان قادر باشد بر تزکیه نفس که مقصود نهایی بعثت پیامبران الهی است، فائق آمده و نفوس خود را از کینه‌ها و عقده‌ها پاک کند.

در تفسیر روشن می‌نویسد:

تعبیر با کلمه ربّ که به معنی تربیت است نشان می‌دهد که این درخواست در جهت تربیت و تکمیل نفوس ذرّیه باشد. تعلیم به معنی آگاه کردن و آموختن است. و این معنی اخصّ از تلاوت کردن و چیزی را در پیشروی خود قرار دادن و آنرا معرّفی نمودن و از آن تجلیل نمودن است.

کتاب، مصدر و به معنی تثبیت و ضبط آن چیزی است که در نیت و باطن است، و کتب آسمانی که به انبیای الهی نازل می‌شود از مصادیق این معنی

می‌باشند، زیرا در آن‌ها که در خارج ضبط می‌شوند، مقاصد و نیات پروردگار متعال از احکام و معارف و حقایق ظاهر می‌گردد.

حکمت، بروزن «فعلة» از ماده حکم که به معنی فرمان قاطع و یقینی است، می‌باشد. از همین معنی است کلمه حکیم که از اَسْمَاءِ حَسَنَى الهی و به معنی صاحب فرمان قاطع است.

حکمت اخصّ از کتاب است، زیرا کتاب محتوی احکام و معارف و حقایق و مطالب دیگر می‌باشد، ولی حکمت آن فرمان‌های قاطع و احکام یقینی است که در موضوعات مختلف ظاهر می‌شود، خواه مربوط به تکالیف عملی باشد یا حقائق الهی. و این مرحله (تعلیم کتاب و حکمت) در مرتبه دوم از وظائف مربوط برسالت می‌باشد. البته تعلیم کتاب جنبه عمومی داشته و تعلیم حکمت پس از آن و برای خواصّ خواهد بود.

و اما تزکیه: از ماده زکی و به معنی بیرون کردن و کنار زدن آنچه باطل و خلاف است از متن چیزی که صحیح و سالم است، مانند تزکیه قلب از اعتقادات باطل، و از صفات سوء. و تزکیه برنامه زندگی از اعمال خلاف و فاسد و تزکیه مال از اموال حرام و نامشروع. و این معنی مرحله سوم از وظایف مربوط به رسالت باشد.

و اما ذکر آن پس از تعلیم کتاب و حکمت: برای این است که تزکیه پس از وارد شدن به مرحله اعتقادات و اخلاق و اعمال صورت می‌گیرد، و تا در این سه مرحله قدم برداشته نشده است: تشخیص حقّ از باطل، و صحیح از فاسد، و درست از غلط، غیر ممکن خواهد بود. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲ / ۱۷۲ و ۱۷۴)

۲. لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (آل عمران: ۱۶۴)

در مورد ترجمه و تفسیر آیه فوق چنین بیان شده:

۱. ان الرسول احسان من الله الى الخلق، لأن الرسول ينقلهم من الجهل الى العلم، ومن المذلة الى الكرامة، ومن معصية الله و عقابه الى طاعته و ثوابه.

۲. ان هذا الإحسان قد تضاعف على العرب بالخصوص لأن محمداً ﷺ منهم، يباهون به جميع الأمم.

۳. انه يتلو عليهم آيات الله الدالة على وحدانيته، و قدرته و علمه و حكمته. (مغنيه، ۱۴۲۴: ۱۹۷/۲)

محمد جواد مغنیه، نویسنده لبنانی که تفسیر الکاشف را نوشته ذیل آیه شریفه چند نکته را بیان می کند.

۱. بعثت رسول برای این است که تعلیم دهد تا بشریت از جهل به دانایی رهنمون گردد.

۲. اهمیت این دستورات الهی برای اعراب مضاعف است، زیرا پیامبر از میان اعراب مبعوث به رسالت شده و اعراب وظیفه دوچندان نسبت به تعلیم و تربیت دارند.

۳. آیات الهی بیانگر این است که با تعلیم و تربیت تزکیه نفس انسان و کمال انسان تکامل پیدا کند و این تزکیه نفس می تواند از اعتقادات خرافی و عادت های قبیح سرچشمه بگیرد.

۳. «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ». (بقره: ۱۵۱)

از ظاهر آیه برمی آید، که «ک» در کلمه «کما» برای تشبیه، و کلمه «ما» مصدریه باشد. در نتیجه معنای آیه و ما قبلش این می شود: ما با قبله قرار دادن خانه ای که ابراهیم بنا کرد و برایش آن خیرات و برکات را درخواست نمود به شما انعام کردیم، مانند این انعام دیگرمان که رسولی از میان شما فرستادیم که آیات ما بر شما همی خواند و کتاب و حکمتان می آموزد و تزکیه تان می کند و این را بدان جهت کردیم که دعای ابراهیم را استجابت کرده باشیم، آن دعا که با فرزندش اسماعیل گفتند: پروردگارا! و رسولی از خود ایشان در میانشان مبعوث فرما تا آیات بر آنان تلاوت کند و کتاب و حکمتشان تعلیم دهد و

تزکیه‌شان کند پس در این ارسال رسول منتهی است نظیر منتهی که در قبله قرار دادن کعبه بود.

يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا، کلمه «آیاتنا» ظهور در آیات قرآن دارد، چون قبل از آن کلمه «یتلوا» آمده، و معلوم است که تلاوت در مورد الفاظ استعمال می‌شود، نه معانی و کلمه «تزکیه» به معنای تطهیر است و تطهیر عبارت است از زایل کردن پلیدی‌ها و آلودگی‌ها، در نتیجه کلمه تطهیر هم شامل اعتقادات فاسد چون شرک و کفر می‌شود و هم شامل ملکات رذیله چون تکبر و بخل می‌گردد و هم اعمال فاسد و شنیع چون کشتن و زنا و شرابخواری را شامل می‌شود، و تعلیم کتاب و حکمت و نیز تعلیم آنچه نمی‌دانستید، دو جمله است که شامل تمامی معارف اصولی و فروعی دین می‌گردد... (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۹۵/۱)

در ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه آمده است:

۱. این آیه ارتباط دارد با آیه‌ای که حضرت ابراهیم دعا می‌کند و از خداوند متعال درخواست برانگیختن پیامبری را دارد تا آیات الهی را برای بشر تلاوت نموده و کتاب و حکمت را به آن‌ها تعلیم دهد در نتیجه تزکیه نفس انسان به وجود آمده و سبب کمال و رشد انسان گردد.

۲. تلاوت معنا، معنا ندارد بلکه باید لفظی وجود داشته باشد تا تلاوت شود.

۳. منظور از تزکیه، دور انداختن اعتقادات فاسد مثل شرک و کفر و کلمات رزیله مثل بخل و تکبر و اعمال فاسد مثل کشتن انسان‌های بی‌گناه و... .

۳. تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل

۳.۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر

این اعلامیه در سال ۱۹۴۸ میلادی که به تصویب رسیده است شامل ۳۰ ماده است که در ماده ۲۶ و ۲۷ را به تعلیم و تربیت پرداخته است. ماده ۲۶ شامل ۳ موضوع می‌شود:

۱. هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود، آموزش و پرورش لااقل تا حدودی مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی باید اجباری باشد، آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا بر استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

۲. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و گروه‌های نژادی یا مذهبی و هم چنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه صلح تسهیل نماید.

۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارد.

نکات مطرح شده در ماده ۲۶ از اعلامیه جهانی حقوق بشر که ذیل بند یک نوشته شده قرار ذیل است:

۱. آموزش و پرورش یک نوع حق است برای همه انسان‌ها، جدا از دین و مذهب و نژاد، که این آموزش و پرورش از حقوق اولیه انسان‌هاست.

۲. آموزش و پرورش در دوره ابتدایی و پایه (اساسی) را باید دولت‌ها و کشورها به صورت مجانی برگزار نموده و در قبال آموزش و پرورش از دانش‌آموزان هزینه دریافت نشود.

۳. آموزش و پرورش دوره ابتدایی باید اجباری باشد، یعنی از طرف دولت به صورت اجبار همه را مجبور نمایند تا دوره ابتدایی را فراگیرند و حداقل همه انسان‌ها اعم از زن و مرد سواد خواندن و نوشتن را فرا گرفته باشند.

۴. آموزش و پرورش‌های تخصصی و حرفه‌ای باید فرهنگ‌سازی شود، یعنی اینکه لیسانس گرفتن در جامعه به عنوان یک فرهنگ، مطرح شود که اکثر مردم دارای مدرک لیسانس باشند ولی در اینجا نکته‌ای که مسکوت گذاشته شده دریافت هزینه است و این به این معناست که دولت‌ها میتوانند در آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی هزینه دریافت کنند.

۵. آموزش‌های عالی یعنی تخصص و فوق تخصص باید مساوی بین همه مردم جدا از دین و مذهب و نژاد و تفکیک جنسیتی مرد و زن باید به صورت مساوی برگزار گردد.

نکته: نکات مطرح شده در ماده ۲۶ نباید مخالف قوانین داخلی کشورهای عضو باشد، زیرا هر کشوری برای خودشان قوانین داخلی را به تصویب رسانده و بر اساس آن می‌تواند این نکات را مدنظر داشته باشند.

در بند دو ماده ۲۶ از اعلامیه هدف از تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش را بیان می‌کند:

۱. تعلیم و تربیت باید برای کمال و رشد انسان و در نتیجه رشد جامعه را در بر داشته باشد.

۲. آموزش و پرورش با هدف آگاهی از آزادی و حقوق انسان‌ها برگزار گردد.

۳. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، احترام به عقائد مخالف و... برگزار گردد.

۴. آموزش و پرورش باعث دوستی و احترام بین همه انسان‌ها و ملت‌های مختلف اعم از نژاد، مذهب، دین و... باشد.

۵. آموزش و پرورش در جهت تأمین صلح و توسعه کشورها باشد.

۴. هر کسی حق دارد از حمایت‌های منابع علمی و معنوی آثار فرهنگی تمدن‌های بشر برخوردار باشد.

ماده ۲۷ شامل دو موضوع است:

۱. هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی، اجتماعی شرکت کند و از فنون و هنرها بهره‌مند گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲. هر کس حق دارد از حمایت منابع معنوی و مادی آثار علمی فرهنگی یا هنری خود برخوردار باشد. (اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، اداره اطلاع رسانی مصوب ۱۹۴۸)

در ماده ۲۷ از اعلامیه جهانی حقوق بشر نکات ذیل مطرح می‌گردد:

۱. اینکه هر کس حق دارد در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بشر شرکت کند و فرا بگیرد.

۲. می‌توانند در زمینه‌های فنی و هنری فعالیت و آموزگار باشند.

۳. در فعالیتهای علمی جامعه سهم گرفته و در این زمینه می‌توانند به دیگران آموزش دهند و از دیگران تعلیم ببینند.

۲.۳. کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر آموزش

کنفرانس عمومی سازمان تربیتی علمی فرهنگی ملل متحد که در یازدهمین نشست خود در تاریخ ۱۴ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس برگزار شد، این کنوانسیون را به تصویب رساند که در ماده یک آن چنین بیان شده است:

ماده ۱: در این کنوانسیون اصطلاح تبعیض شامل هرگونه تمایز محرومیت محدودیت یا اولویت است که بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، یا هر عقیده دیگر خاستگاه اجتماعی یا ملی وضعیت اقتصادی، یا شرایط تولد به وجود می‌آید و هدف و پیامدش تخریب یا تضعیف برخورد یکسان آموزش و به ویژه موارد زیر است:

۱. محروم کردن فرد یا گروهی از افراد از هر نوع یا هر سطح آموزش.
۲. محدود کردن فرد یا گروهی از افراد به استفاده از کیفیت آموزش پایین‌تر.
۳. تأسیس یا تداوم مؤسسات یا نظام‌های آموزشی جداگانه برای افراد یا گروه‌ها؛ البته با توجه به شروط که در بند ۲ این کنوانسیون ذکر شده است.
۴. تحمیل شرایط ویژه به فرد یا گروهی از افراد که مغایر با منزلت انسانی است.

در این کنوانسیون اصطلاح آموزش به کلیه سطوح آموزشی و انواع آن اطلاق می‌شود و شامل دسترسی به آموزش معیار و کیفیت آن و شرایطی که تحت آن آموزش ارائه می‌شود، می‌باشد.

نکته: استثنائات این ماده یعنی مواردی که شامل این ماده نمی‌شود به قرار ذیل است:

۱. مؤسسات جداگانه برای دختر و پسر که یکسان بتواند از امکانات استفاده کند.

۲. مؤسساتی که به دلایل مذهبی زبان‌شناسی که با خواسته اولیاء یا قیم ارائه می‌شود.

۳. مؤسساتی که علاوه بر تسهیلات دولتی، تسهیلات دیگر را برای آموزش بهتر فراهم می‌کند. (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر آموزش/ پاریس ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰)

در این کنوانسیون مبارزه با بعضی از رفتارهاست که عده‌ای را در امر آموزش و پرورش یا مقید یا منع می‌کند.

۱. محروم کردن افراد یا گروهی را از نوع آموزش یا از سطح آموزش؛ به عنوان مثال دانش آموز را از رشته خاص مثل پزشکی یا ریاضی فیزیک یا آموزش‌های پایه دیگر منع کنند یا از سطح آموزش مثل منع کردن از آموزش‌های سطح عالی، آموزش‌های تخصصی یا فوق تخصصی.

۲. محدود کردن افراد یا گروه در حوزه تعلیم و تربیت از نظر کیفیت یا کمیت؛ به عنوان مثال برای عده خاص امکانات بیشتر آموزشی را فراهم کردن و برای عده دیگر این امکانات وجود نداشته باشد یا برای عده‌ای استادان با تجربه استخدام شود و برای عده دیگر استادان بی تجربه استخدام کنند.

۳. تأسیس کردن مؤسسات آموزشی برای افراد یا گروه به خاطر جنسیت یا تبعیض نژادی.

۴. شرایط را برای فراگیران تحمیل کنند که مغایر با کرامت انسانی باشد مثل تحقیر کردن دانش‌آموزان در امر آموزش و پرورش.

۳.۳. سند ۲۰۳۰ سازمان ملل

نکته اول: رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی ملل متحد دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ را تصویب کردند که شامل ۱۷ هدف اصلی است و ۱۶۹ هدف ویژه که نقشه راه ۱۵ سال بعدی آینده جهان را مشخص می‌کند.

نکته دوم: در مقدمه می‌نویسد ما رؤسای دولت‌ها و کشورها و نمایندگان عالی رتبه که به مناسبت هفتادمین سالروز تأسیس سازمان ملل متحد از ۲۵ تا ۲۷

سپتامبر ۲۰۱۵ در مقر آن نیویورک گردهم آمدیم در مورد اهداف جدید برای توسعه پایدار توافق کرده‌ایم.

نکته سوم: در صفحه ۳۶ این سند هدف اصلی ۴ ذکر شده است؛ هدف اصلی ۴ می‌نویسد تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه.

۴-۱ تضمین اینکه همه دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ دوره‌های آموزشی ابتدایی و متوسطه را به صورت کیفی منصفانه و بدون پرداخت هیچ‌گونه شهریه به صورت کامل و با دستیابی به نتایج مؤثر در حوزه یادگیری به پایان برساند.

۴-۲ تضمین دسترسی همه دختران و پسران به آموزش پیش دبستانی و مراقبت و رشد در آوان کودکی به منظور آماده‌سازی آن‌ها برای آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۳۰. ۴-۳ تضمین دسترسی برابر همه زنان و مردان به آموزش عالی و دانشگاهی و آموزش فنی حرفه‌ای مقرون به صرفه و کیفی تا سال ۲۰۳۰.

۴-۶ تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همه جوانان و تعداد قابل ملاحظه‌ای از جوانان و بزرگسالان اعم از زن و مرد به سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن دست یابند.

۴-۴ افزایش قابل ملاحظه تأمین معلمان واجد شرایط از جمله از طریق همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰. (کمیسیون ملی یونسکو)

هدف اصل چهار که مربوط به تعلیم و تربیت است نکات ذیل را در مورد آموزش و پرورش مطرح می‌کند:

۱. اینکه همه دولت‌ها تضمین کنند همه دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه را با کیفیت برابر بدون پرداخت هزینه و دستیابی مؤثر به پایان برسانند. نکات مطرح شده در این بند حاکی از این مطلب است که تعلیم و تربیت باید از نظر کیفیت آموزشی ارتقا پیدا نموده و همراه با نتایج باشد و دانش‌آموزان بتوانند از این دوره استفاده ببرند.

۲. تضمین دیگری که باید دولت‌ها بدهند این است که تا سال ۲۰۳۰ همه دختران و پسران دوره پیش دبستانی را گذرانده باشند و آمادگی داشته باشند که دوره

آموزش ابتدایی را فرا گیرند. نکته حائز اهمیت این است که قید همه برای دختران و پسران ذکر شده است.

۳. حکومت‌ها و دولت‌ها تضمین دهند همه زنان و مردان تا سال ۲۰۳۰ دسترسی به آموزش عالی و فنی حرفه ای با توجه به این که مقرون به صرفه باشد از نظر کیفیت مناسب.

۴. و در آخر همه کشورها تضمین دهند که تا سال ۲۰۳۰ کشورهای درحال توسعه و کشورهایی که کمتر توسعه یافته از طریق همکاری‌های بین الملل معلمین واجد شرایط را تأمین نمایند.

۴. تعلیم و تربیت در قوانین افغانستان

۴.۱. قانون اساسی افغانستان

ماده ۴۳:

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمات دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان تأمین تعلیمات متوسطه اجباری پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند. (قوانین اساسی افغانستان، ریاست نشرات وزارت عدلیه، ۵۱۶/۱۳۸۶)

ماده ۴۴:

دولت مکلف است به منظور توازن و انکشاف تعلیم برای زنان بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سواد در کشور، پروگرام‌های مؤثر، طرح و تطبیق نماید. (قوانین اساسی افغانستان، ریاست نشرات وزارت عدلیه، ۵۱۷/۱۳۸۶)

ماده ۴۶:

تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات علمی عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است اتباع افغانستان می‌توانند به اجازه دولت به تأسیس اقدام نمایند. دولت می‌تواند تأسیس مؤسسات عالی عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات

عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. (قوانین اساسی افغانستان، ریاست نشرات وزارت عدلیه، ۵۱۸/۱۳۸۶)

ماده ۴۷:

دولت برای پیشرفت علم و فرهنگ ادب و هنر پروگرام‌های مؤثر طرح می‌نماید. دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می‌نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه‌ها تشویق و حمایت می‌کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را مطابق به احکام قانون تعمیم می‌بخشد. (قوانین اساسی افغانستان، ریاست نشرات وزارت عدلیه، ۵۱۸/۱۳۸۶)

در قانون اساسی زمان حامد کرزی نیز تعلیمات متوسطه اجباری و علاوه بر آن تعلیم و تربیت به زبان مادری حق دانش‌آموزان دانسته شد. یکی از نکاتی که در قانون اساسی زمان کرزی به تصویب رسید، تعلیم و تربیت برای زنان و کوچیان (عشایر) تصریح شده و دولت را موظف می‌داند که برای این دو قشر امکانات تعلیمی تربیتی را فراهم کند.

این قانون دولت را موظف می‌کند که برای پیشرفت‌های علمی و فرهنگی از مؤلفین حمایت شود و اتباع خارجی می‌توانند مؤسسات تحصیلات عالی را بسازند.

۲.۴. قانون معارف افغانستان ۱۳۸۷

ماده ۲ این قانون دارای اهداف عمده ذیل می‌باشد:

۱. تأمین حق مساوی تعلیم و تربیت برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متواضع و عادلانه.
۲. تربیت اطفال، نوجوانان و جوانان به حیث افراد متدین و اعضای مفید و سالم جامعه.
۳. رشد و انکشاف استعدادهای اخلاقی، عاطفی، ذهنی، پرورش جسمی و روحیه اجتماعی شاگردان.
۴. تعلیم و تربیت اتباع کشور جهت سهم‌گیری فعال در رشد اقتصادی و اجتماعی و کاهش فقر در کشور.

ماده سوم: اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیت می‌باشد.

ماده چهارم: تعلیمات متوسطه (اساسی) در افغانستان اجباری می‌اشد.

۲. تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب، دوره‌های متوسط (اساسی) ثانوی، تخنیکي-مسلکی- حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی، تعلیمات عالی (صنوف سیزده، چهارده) تعلیم و سوادآموزی و سواد حیاتی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی، دولتی به صورت رایگان تأمین می‌گردد.

ماده چهارم قانون معارف تحصیلات ابتدایی را اجباری و رایگان ذکر می‌کند و نیز پیش از دوره مکتب یعنی پیش دبستانی لازم و ضروری میدانند.
ماده پنجم:

۱. اطفال از سن شش سالگی الی اكمال نه سالگی طور اجبار شامل مکاتب دوره تعلیمات متوسط (اساسی) می‌شوند.

۳. اطفال و نوجوانان که سن آن‌ها از نه سالگی تجاوز کرده باشد زمینه تعلیم و تربیت آن‌ها مطابق لایحه مربوطه فراهم می‌گردد.

ماده نهم:

۱. وزارت معارف، مکاتب، مدارس، مؤسسات و کورس‌های تعلیمی مورد نیاز را برای دوره‌های مختلف تعلیمات مندرج این قانون با در نظر داشت نیازمندی‌های جامعه و در حدود امکانات مالی دولت مطابق به لوایح و معیارهای تعلیمی و تربیتی مربوط تأسیس مینماید.

۲. تعلیم و تربیه اطفال کوچی در مکاتب ثابت یا سیار صورت می‌گیرد و وزارت معارف در حدود امکانات مالی جهت ایجاد سهولت برای اطفال کوچی، لیلیه‌ها را تأسیس می‌نماید.

ماده یازدهم: اشخاص حقیقی و حکمی، داخلی و خارجی می‌توانند مؤسسات تعلیمی خصوصی داخلی مختلط و بین‌الملل را با معیارهای ملی و بین‌المللی در دوره‌های مختلف تعلیمات مندرج این قانون برای اتباع افغان و خارجی مطابق مقرر مبروط تأسیس نمایند.

ماده سیزدهم: وزارت معارف زمینه تأمین، تعلیم غیرحضور، و تعلیم از راه دور را در دوره‌های مختلف تعلیمات مندرج این قانون مطابق مقرر مبره مربوط فراهم می‌سازد.

ماده پانزدهم: تعلیمات اطفال و اشخاص بالغ که دارای نیازمندی‌های خاص تعلیمی و تربیتی بوده بنا بر عوامل مختلف از تعلیم و تربیت بازمانده‌اند در دوره‌های مختلف تعلیمات مندرج این قانون مطابق لایحه مربوطه تنظیم می‌گردد.

ماده هفدهم: دوره تعلیمات متوسط اساسی شامل صنف اول الی ختم صنف نهم می‌باشد که به طور اجباری و رایگان متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوذ، مسکون و کوچی در محل و در مطابقت با معیارهای تعلیمی و تربیتی فراهم و توسعه میابد.

ماده نوزدهم: تعلیمات عمومی دوره ثانوی شامل صنف دهم، یازدهم، دوازدهم می‌باشد که به طور رایگان به صورت متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوذ، مسکون و کوچی در محل معیارهای تعلیمی و تربیتی برای فارغان صنف نهم دوره تعلیمات متوسط اساسی فراهم می‌گردد.

ماده بیست و پنجم: دوره تعلیمات تربیه معلم شامل صنف دهم الی ختم صنف چهاردهم می‌باشد که به صورت رایگان و متوازن و عادلانه با در نظر داشت تعداد نفوذ، مسکون و کوچی در محل و معیارهای تعلیمی و تربیتی برای فارغان مکاتب تعلیمات متوسط اساسی و ثانوی فراهم و توسعه می‌یابد. (قانون معارف افغانستان، ۱۳۸۷ / شماره مسلسل: ۹۵۵)

نکات مهمی که در قانون وزارت معارف افغانستان ذکر شده قرار ذیل است:
هدف از تعلیم و تربیت تحویل دادن جوانان و افراد سالم به جامعه، کشف استعدادهای اطفال و نوجوانان، پرورش دادن و رشد این استعدادها به عبارت بهتر تبدیل کردن استعدادهای بالقوه و بالفعل و اینکه تعلیم و تربیت باید این نتیجه را داشته باشد که اقتصاد مردم افغانستان بهتر شود، سطح فرهنگ جامعه بالا برود و از نظر سیاسی مردم افغانستان به بلوغ سیاسی برسند.

در تعلیم و تربیت نباید تبعیض از هر نوع (دین، مذهب، منطقه، نژاد، زبان و...) باشد. تحصیلات ابتدایی از صنف اول تا نهم به صورت رایگان و اجباری و اینکه برای نیازمندان جامعه مکاتب مورد نیاز تأسیس شود و وظیفه دولت است که امکانات را در این زمینه فراهم نماید. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که افراد خارجی طبق قانون بین الملل می‌توانند مؤسسات تعلیم و تربیت را طبق استانداردهای بین الملل تأسیس نمایند.

۵. تعلیم و تربیت در فضای مجازی؛ تهدیدها و فرصت‌ها

۵.۱. شناخت فضای مجازی

برای اینکه بتوانیم بهره‌ای، بهتر از این نوشتار برده باشیم لازم است اول اهمیت فضای مجازی و شناخت از آن را مد نظر قرار بدهیم، لذا اندیشمندان بزرگ برای شناخت فضای مجازی مقالات متعددی نوشته‌اند.

رهبر معظم انقلاب، می‌فرماید:

امروزه شما می‌بینید وسایلی تبلیغ در دنیا چقدر متنوع شده است، این طرف دنیا یک نفر جوان پای دستگاه کوچک می‌نشیند و افکار، تصورات، تخیلات، پیشنهادهای فکری، پیشنهادهای علمی را از سوی هر کس بلکه هر ناکسی از آن طرف دنیا دریافت می‌کند. امروزه، اینترنت، ماهواره و... وسایل ارتباطی بسیار متنوع وجود دارد و حرف، آسان به همه جای دنیا می‌رسد. میدان افکار مردم و مؤمنان عرصه کارزار تفکرات گوناگون است. امروزه ما در میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم. (حقیقت مجاز: ۱۴)

و یا در جایی دیگر می‌فرماید:

مسئله شما مهم‌تر و دشوارتر است از مسئله علامه حلی و یا مسئله علامه مجلسی یا مسائل علمای بزرگی که در طول تاریخ بوده‌اند با آن‌ها قابل مقایسه نیست، امروزه نشر افکار باطل نه فقط به وسیله ابزارهای ارتباط جمعی فراوان مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت و انواع و اقسام روش‌های الکترونیکی انجام می‌گیرد، بلکه از شیوه‌های هنری هم استفاده می‌شود. امروزه در دنیا پول خرج

میکنند و فیلم‌های گران قیمت می‌سازند برای اینکه غیر مستقیم فکری را وارد ذهن‌ها کنند و یا فکری را از ذهن‌ها بیرون بیاورند. (همان)

۵.۲. تعریف فضای مجازی

به عقیده بعضی از نویسندگان، نمی‌توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست، اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است. اینترنت سامانه جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است که از مجموع پروتکل اینترنت برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند... اگر بخواهیم آنچه اینترنت را تشکیل می‌دهد معرفی کنیم باید به این سه بُعد اشاره کنیم:

۱. زیرساخت‌ها مثل وسایل فیزیکی مثل کامپیوتر و قطعات آن؛
۲. خدمات یعنی نرم افزارهایی که وجود دارند؛
۳. محتوا که از طریق نرم‌افزار انتقال پیدا می‌کند در قالب متن، صوت یا تصویر. (همان: ۳۱-۳۰)

در کل، فضای مجازی را می‌توان به سه دسته کلی و عمده دسته‌بندی کرد:

۱. رسانه‌های صوتی و تصویری؛
۲. تولیدات نرم افزارها؛
۳. سایت‌ها و وبسایت‌ها و صفحات مجازی مثل فیسبوک، اینستاگرام، واتساپ، توئیتر.

۶. رسانه‌های صوتی و تصویری

به عبارت بهتر رادیو و تلویزیون، عکس، نقاشی، کاریکاتور و... با توجه به اینکه در این رسانه‌ها تولیدات متنوع انجام می‌شود، از تولیدات سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی، اجتماعی، سرگرمی و امثال این‌ها که جوانان و نوجوانان حتی اطفال بیشترین وقتشان به تماشای این برنامه‌ها می‌گذرد که در این مورد هم تحدیدها و فرصت‌ها وجود دارد. تهدید از این جهت است که ذهن جوانان و نوجوانان از همین زمان شکل می‌گیرد که اگر درست برنامه‌ریزی نشود و وقت کودکان در کنترل والدین

نباشد به سرعت ممکن است به انحراف کشانده شود. باید برای کودکان و نوجوانان بهترین برنامه‌ها را برنامه‌ریزی کند. نکته دیگری که قابل یادآوری است این است که کلوپ‌های پخش سریال و فیلم و برنامه‌های کودک در این کلوپ‌ها عرضه می‌شود و بسیاری از برنامه‌های کودک به زبان اصلی و بدون سانسور توزیع می‌شود، و این بزرگ‌ترین تهدید برای جوانان و نوجوانان است.

در این نوع رسانه‌ها مخاطب یک طرفه است و بدون کدام سؤال و جواب هر چه در این قالب ریخته می‌شود مخاطبان آن را جذب می‌کنند و از طرفی دیگر اگر برنامه‌ریزی برای تولیدات فیلم و سریال و برنامه‌های کودک انجام نشود ذهن کودک در اختیار نویسندگان این برنامه‌ها قرار خواهد گرفت.

۷. تولیدات نرم‌افزارها

نرم‌افزارها خود به دو دسته عمده تقسیم می‌شود:

۱. نرم‌افزارهایی که در قالب کتابخانه تولید می‌شود مثل نرم‌افزارهای مرکز علوم اسلامی و امثال این‌ها؛

۲. نرم‌افزارهایی که در قالب بازی و سرگرمی و بعضی از آن‌ها ناخودآگاه آموزشی هم محسوب می‌شود که جوانان و نوجوانان را و حتی بزرگسالان را به خود جذب نموده و این نوع نرم‌افزارها اکثر اوقات وقت انسان را به خود اختصاص می‌دهد و از جذابیت خاصی برخوردار است و یا بازی‌هایی هیجانی که تولید می‌شود و همه را به خود سرگرم نموده و عمر انسان را تلف می‌نماید و این خود یک نوع تهدید برای همه انسان‌ها به خصوص کودکان و نوجوانان است.

۸. سایت‌ها و وبسایت‌ها و صفحات مجازی

یکی از پرکاربردترین و سرگرمی عموم مردم، به خصوص دانش‌آموزان، صفحات مجازی مثل سایت‌ها و وبسایت‌ها و یا صفحات مثل انستاگرام، فیسبوک، واتساب و... است. این صفحات انواع مطالب جذاب را نشر می‌دهد که بعضاً مخالف اعتقادات دین و مذهب است که در قالب شعر، داستان و ضرب‌المثل، باعث سست شدن باورهای دینی می‌شود.

۹. تهدیدهای فضای مجازی

۱. تعلیم و تربیت به صورت مجازی یکی از تهدیدها این است که مطلب به صورت سطحی آموزش داده شده و کمتر امکان پرسش و پاسخ در فضای مجازی وجود دارد.

۲. نبود تعلیم و تربیت چهره به چهره استاد و شاگرد تهدید دیگری است، زیرا تعلیم و تربیت که به صورت حضوری انجام می‌شود بازدهی بیشتر دارد تا فضای مجازی و اینکه رفتار و گفتار معلم تأثیر مستقیم بر تربیت و آموزش شاگردان دارد.

۳. تهدید سومی که تعلیم و تربیت در فضای مجازی دارد این است که دانش آموزان دسترسی به انواع مطالب و تصاویر غیر اخلاقی دارند و این یک زهر کشنده برای دانش آموزان محسوب می‌شود و این مطالب ممکن است به انحراف اعتقادی منجر شده و یا مطالب و تصاویر غیر اخلاقی جنبه اعتقادات شاگردان را دگرگون نموده و برای دانش آموزان از نگاه اخلاقی گناهان بزرگ را به صورت عادی جلوه دهد و این تصاویر غیر اخلاقی انگیزه دانش آموزان را در تعلیم و تربیت از بین می‌برد.

۴. تهدید چهارمی که آموزش در فضای مجازی دارد این است که شاگردان از جامعه بیگانه می‌شوند و یک حالت انزوا پیدا می‌کنند و مهارت‌های ارتباطی را به شدت کاهش می‌دهد. در تعلیم و تربیت حضوری شاگردان با همسن و سالان خود ارتباط برقرار می‌کنند و از همدیگر می‌آموزند و روی همدیگر تأثیر می‌گذارند.

۵. تهدید پنجمی که می‌توان از آن نام برد این است که در فضای مجازی انرژی منفی آن‌ها تخلیه نمی‌شود و در مکان‌های آموزشی حضوری این انرژی‌های منفی با بازی، مسابقات فوتبال و سرگرمی‌هایی که ایجاد می‌شود تخلیه می‌شود.

۱۰. فرصت‌های فضای مجازی

۱. در دسترس بودن موضوعات مورد علاقه که با یک جستجو در فضای اینترنت انواع موضوعات را در دسترس انسان قرار می‌دهد که شاگردان یا دانش‌آموزان از تجزیه و ترکیب این موضوعات می‌توانند موضوع مورد علاقه خود را فراهم کنند و در آن زمینه تحقیق و بررسی نمایند.

۲. فرصت دیگری که تعلیم و تربیت در فضای مجازی دارد امکان آموزش از راه دور می‌باشد. به عنوان مثال کسی که از طریق فضای مجازی می‌خواهد آموزش ببیند یا به دیگران آموزش بدهد این امکان فراهم است که در کشورهای مختلف دانش‌آموزش را جذب نماید و یا خودش به شاگردانی که در کشورهای مختلف وجود دارد آموزش بدهد و این آموزش در فضای مجازی به دو صورت می‌تواند انجام شود؛ صورت آنلایین و آفلاین.

۳. آسان کردن تحقیق و پژوهش برای شاگردان؛ شاگردان می‌توانند اگر در یک زمینه تحقیق کنند از انواع نرم‌افزارهای معتبری که مؤسسات منابع را در یک نرم افزار فراهم کرده استفاده نمایند و نیز می‌تواند از سایت‌های معتبر مجلات علمی مقالات را دانلود نموده و از آن استفاده نمایند.

۴. فرصت دیگری که در فضای مجازی وجود دارد جهش در تولید علم است که شاگردان می‌توانند در یک مدت کوتاه یک مهارت را خودش تولید کنند و یا یک محقق می‌تواند یک فناوری را در دسترس مردم قرار دهد.

۵. فرصت پنجمی که می‌توان بر شمرده تعلیم و تربیت در فضای مجازی این است که شاگردان به راحتی و کمترین زمان دسترسی به آموزش‌های نوین دارند که می‌تواند از طریق آن روش‌های آموزشی مطالب را بهتر و خوب‌تر بفهمند و قدرت تفکر و تعقل آن‌ها بالا برود.

نتیجه:

سؤال مطرح شده در این نوشتار این بود که اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل و قوانین افغانستان چگونه تعریف شده است؟ و فضای مجازی در چه صورتی فرصت برای تعلیم و تربیت محسوب و در چه صورتی تهدید به حساب می‌آید؟ برای پاسخ به این سؤال چند موضوع مورد بحث قرار گرفته است.

۱. اهمیت تعلیم و تربیت در قرآن؛ آیات متعدد به صراحت انسان را تشویق به تعلیم و تربیت می‌کند، زیرا تعلیم و تربیت استعدادهای انسان را از قوه به بالفعل رسانده و موجب رشد و تکامل انسان می‌گردد. از منظر قرآن

کریم تعالی و کمال انسان به وسیله تعلیم و تربیت است و احادیث معصومین علیهم السلام نیز سفارش‌های فوق العاده در این زمینه دارد.

۲. تعلیم و تربیت در اسناد بین الملل موضوع دیگری بود که به آن پرداخته شد و مورد کنکاش قرار گرفت، مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر آموزش و سند ۲۰۳۰ مهم‌ترین اسناد بین‌المللی بود که تعلیم و تربیت را از حقوق اجتماعی انسان‌ها می‌داند که همه انسان‌ها باید دوره‌های ابتدایی تعلیم و تربیت را باید به صورت رایگان و اجبار فرابگیرند؛ ضمن اینکه سند ۲۰۳۰ از حکومت‌ها می‌خواهد تا سال ۲۰۳۰ تعلیم و تربیت ابتدایی با کیفیت بالا و استاندارد جهانی برای همه انسان‌ها فراهم گردد.

۳. تعلیم و تربیت در قوانین افغانستان موضوع سوم بود که مورد بررسی قرار گرفت؛ قوانین افغانستان در یک تقسیم‌بندی به دو قسم تقسیم می‌شود؛ قوانین اساسی افغانستان از زمان امان الله خان تا زمان قانون اساسی حامد کرزی و قانون معارف زمان حامد کرزی که هر دو قسم، تعلیم و تربیت را از حقوق اساسی و اجتماعی دانسته است که به تبع از اعلامیه جهانی حقوق بشر باید به صورت رایگان و اجباری دوره ابتدایی تعلیم و تربیت برگزار گردد.

۴. تعلیم و تربیت در فضای مجازی موضوع چهارم بود که به آن پرداخته شد در این زمینه نیز تحدیدها و فرصت‌های مهم بیان شده است. لذا پاسخ به سؤال این نوشتار این خواهد بود که اهمیت تعلیم و تربیت در متون دینی و اسناد بین الملل و قوانین افغانستان به عنوان یک حق شمرده شده که باید این حق به صورت رایگان در دسترس همه انسان‌ها باشد و در صورت ضرورت باید تعلیم و تربیت اجباری برگزار شود تا ریشه بی‌سوادی از بین انسان‌ها برداشته شده تا انسان‌ها به کمال و رشد انسانی برسند، زیرا انسان طبق آیه قرآن خلیفه خداوند در روی زمین است و باید صفات خلیفه‌اللهی داشته باشد و این کمال با جهل امکان ندارد، بلکه با تعلیم و تربیت به دست خواهد آمد و در آخر نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که

یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت در جهان امروز فضای مجازی بوده و فرصت‌های خوبی را در اختیار انسان می‌گذارد، با توجه به اینکه تهدیدات خود را دارد، ولی اگر مدیریت شود و در سطح کلان مدیریتی و حکومتی می‌توان از این فضا بهترین استفاده را کرد، به خصوص در افغانستان که نسبت به کشورهای توسعه یافته از هر جهتی عقب افتاده‌تر است و جزو کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می‌آید.

جا دارد در افغانستان یک وزارت را در حوزه فضای مجازی تأسیس کرده تا بهترین استفاده را از فضای مجازی ببرند. نکته قابل تأمل این است که اسناد بین الملل و قوانین افغانستان تعلیم و تربیت دوره ابتدایی را اجباری و رایگان دانسته نه تحصیلات عالی را، و این برای این است که در دوره ابتدایی ذهن اطفال و نوجوانان آماده شکوفا شدن است و اینکه اطفال و نوجوانان فضای مجازی برای آن‌ها جذاب بوده و می‌توان برنامه‌های مؤثری را در فضای مجازی بارگذاری کرده و ذهن‌های اطفال و نوجوانان را شکوفا کنند.

منابع و مأخذ:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (مصوب ۱۹۴۸)
- آرمند، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر مفهوم تعلیم و تربیت»، ماهنامه سوره ش ۵۲ و ۵۳.
- بیانات رهبر انقلاب در جمع روحانیون کرمان (۱۳۸۴/۲/۱۱)، منتشر شده در سایت حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- سند سازمان ملل متحد (دگرگون ساختن جهان ما؛ دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار)
- سیاح طاهری محمد حسین و همکاران (بی تا)، حقیقت مجاز، منتشر شده در فضای مجازی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۷)، اصول تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه انتشاراتی دانشگاه تهران.

- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، ج ۱، چ ۴، تهران: سهامی انتشار.
- عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: سپهر.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲)
- قانون وزارت معارف افغانستان (مصوب ۱۳۸۷)
- کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر آموزش (۱۹۶۰ پاریس)
- مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، ج ۲، تهران: مرکز نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: سپهر.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱. دار الکتب الإسلامية. تهران.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

